

نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی

دانشگاه شهید باهنر کرمان

دوره جدید، شماره ۲۳ (پیاپی ۲۰) بهار ۸۷

تعامل رمان فارسی و جامعه ایرانی^۱ * (علمی - پژوهشی)

ناصر نیکوبخت

دانشیار دانشگاه تربیت مدرس

عسگر عسگری حسنگلو

استادیار دانشگاه اصفهان

چکیده

اگر با اندکی آسانگیری بر پاره ای از رمانواره های آغازین فارسی، عنوان رمان اطلاق کنیم، می توان برای رمان فارسی عمری صدساله تصور کرد. این قالب ادبی، که نویسندگان ایرانی در پی تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی دوره مشروطه و از راه ترجمه رمانهای تاریخی اروپایی با آن آشنا شدند، تاکنون از نظرگاه های گوناگون بررسی شده است. اما رویکرد نقد جامعه شناختی به رمان فارسی چندان مورد توجه محققان نبوده است. بررسی برهم کنش جامعه ایرانی و رمان فارسی یا به عبارت دیگر، تأثیر جامعه بر محتوای رمان و تأثیرپذیری جامعه از رمان، رابطه بین جنبه انتقادی و کیفیت فنی رمان فارسی، تعهد اجتماعی و اخلاقی نویسندگان و چگونگی بازتاب تحولات اجتماعی، سیاسی و اقتصادی کشور در رمان معاصر از مباحثی است که در این مقاله مورد بررسی قرار گرفته است. در این پژوهش، روند شکل گیری، رشد و تکامل رمان فارسی به چهار دوره تاریخی مشخص تقسیم شده است تا امکان مقایسه و سنجش تعامل رمان و جامعه با توجه به تحولات اجتماعی در هر دوره تاریخی بهتر فراهم شود.

واژگان کلیدی: رمان فارسی؛ داستان نویسان ایرانی؛ جامعه شناسی رمان.

مقدمه

بررسی جامعه شناختی ادبیات یکی از گونه های مطالعات میان رشته ای است که توجه محققان جامعه شناسی و ادبیات را با استفاده از مبانی، اصول و روشهای تحقیق در این دو شاخه از علوم انسانی به خود جلب کرده است. آنچه باعث تمایز نقد جامعه شناختی

تاریخ پذیرش نهایی مقاله: ۸۵/۳/۲۷

* تاریخ ارسال مقاله: ۸۴/۱۱/۱۷

ادبیات از سایر شیوه های نقد ادبی می شود، «این حکم نظری است که در آفرینش هنری، یک فرد به تنهایی مورد نظر نیست، بلکه اثر، بیان نوعی آگاهی جمعی است که هنرمند با شدتی بیش از اکثر افراد در تدوین آن شرکت می ورزد» (جامعه شناسی ادبیات، ص ۶۴، ۱۳۷۷).

اگر به طور دقیق نتوان اولین رمان فارسی را معرفی کرد، بدون تردید می توان **شمس و طغرا** نوشته محمد باقر خسروی را، که در سال ۱۲۸۸ خورشیدی در کرمانشاه منتشر شد به عنوان اولین رمان تاریخی (پایه گذاران نثر جدید فارسی، ص ۷۴، ۱۳۸۴) و **تهران مخوف** اثر مرتضی مشفق کاظمی را که در سال ۱۳۰۱ به صورت پاورقی روزنامه ستاره ایران و در سال ۱۳۰۳ به شکل کتاب منتشر شد، «صدسال داستان نویسی ایران، ص ۵۷، ۱۳۸۰» به عنوان اولین رمان اجتماعی پذیرفت و عمری حدوداً صدساله برای رمان فارسی قائل شد.

در این مقاله سعی شده است به چند پرسش در بررسی برهم کنش رمان و جامعه ایرانی در یک صد سال اخیر پاسخ داده شود؛ از جمله: الف) عوامل مؤثر در پیدایش و رشد رمان اجتماعی ب) میزان تأثیر تحولات اجتماعی، سیاسی و فرهنگی در شکل گیری نوع خاصی از نگرش ادبی و ایدئولوژیکی (به معنای عام کلمه) بین نویسندگان ج) میزان تغییرات و نوسانات کیفیت هنری و بار انتقاد اجتماعی رمان معاصر با توجه به تحولات مهم اجتماعی د) بررسی کیفیت و کمیت تأثیرپذیری رمان از تحولات جامعه و تأثیرگذاری بر جامعه ها شیوه رویارویی رمان نویسان معاصر با معضلات اجتماعی با دو رویکرد توصیف و درمانگری و) بررسی مسئله «تعهد نویسنده» در ادوار تاریخی مشخص شده

برای پاسخ به مسائل یادشده به تقسیم بندی تاریخی نیاز است. اساس این تقسیم بندی را تحولات مهم اجتماعی تشکیل می دهد. دوره بندی تاریخی در مطالعات ادبی شیوه ای کارآمد است و امکان مقایسه و تشخیص فراز و نشیب آثار ادبی را در زمانهای متفاوت فراهم می آورد. این مسئله درباره رمان - که نسبت به شعر، ویژگی اجتماعی تری دارد - بیشتر صادق است. «منش زیبایی شناختی رمان نه وابسته به غنای آن - که اصطلاحی بسیار محو است - بلکه به معنای دقیق علمی، وابسته به تعیین کننده های اجتماعی زمان نگارش آن است» (واقعیت اجتماعی و جهان داستان، ص ۴۱، ۱۳۵۸).

چهار دوره تاریخی برای بررسی مسائل رمان فارسی عبارت است از:

- ۱- از نخستین رمانواره های فارسی تا سال ۱۳۰۰
- ۲- از ۱۳۰۱ (انتشار **تهران مخوف**) تا ۱۳۲۰ (سقوط حکومت رضاخان)
- ۳- از ۱۳۲۰ (آغاز حکومت پهلوی دوم) تا ۱۳۵۷ (پیروزی انقلاب اسلامی ایران)
- ۴- از ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰ (پایان دهه هفتاد)

در هر دوره تاریخی، یک یا چند رمان نسبت به دیگر رمانها با تحولات اجتماعی زمان آفرینش خود ارتباط مستقیم تری دارد و از این رو الگوی آفرینشهای بعدی قرار می گیرد. به همین دلیل این رمانها با توجه به درجه تأثیر پذیری از سرچشمه های گوناگون فکری، هنری و اجتماعی و نیز اثرگذاری بررمانهای دیگر، مخاطبان و گروه های اجتماعی، بیشتر تحلیل شده و از دیگر رمانهای هر دوره به اختصار و در حد یادکرد نامشان سخن به میان آمده است.

قبل از هر چیز، ذکر این نکته ضروری است که دو رویکرد جامعه شناسانه به ادبیات وجود دارد: رویکرد جامعه شناسی ادبیات، که به مقوله ادبیات به عنوان فرایندی عمدتاً اقتصادی می نگرد و در آن به بررسی تولید، توزیع و مصرف آثار ادبی می پردازد. روبراسکارپیت نمونه برجسته محققانی با چنین نگرش است (جامعه شناسی ادبیات، ص ۳۱-۱۱۸، ۱۳۷۶). رویکرد دوم با عنوان جامعه شناسی ادبی شناخته می شود و گئورگ لوکاچ^۱ و لوسین گلدمن^۲ برجسته ترین نظریه پردازان آن به شمار می روند. «جامعه شناسی ادبی روشی است مربوط به علم ادبیات و ما آن را علم تاریخی-جامعه شناختی ادبیات تعریف می کنیم» (تزهایی درباره جامعه شناسی ادبیات»، ص ۲۳۶، ۱۳۷۷).

در این مقاله با رویکرد دوم به تعامل جامعه ایرانی و رمان فارسی و نیز بررسی گفتمان موجود و غالب در جامعه و انعکاس آن در رمان معاصر پرداخته ایم.

۱- نخستین رمانواره های فارسی تا سال ۱۳۰۰

ایران عصر قاجار در واقع، جولانگاه روس و انگلیس و بازار رقابت آنها بود؛ رقابت بر سر گرفتن امتیازات بیشتر و نفوذ همه جانبه در همه ارکان کشور (یا مرگ یا تجدید،

^۱ Georges Lukacs

^۲ Lucien Goldmann

ص ۵۴، ۱۳۸۳). زمانی که قدرت سیاسی قاجار رو به اضمحلال می رفت، گروهی از روشنفکران با مقایسه اوضاع کشور خود با ممالک مرفعی دیگر به فکر گرفتن فرهنگ و تمدن آنها برای پیشرفت خود افتادند. عباس میرزا و امیرکبیر در میان قدرتمندان قاجاری افکاری مرفعی داشتند و با آوردن چاپخانه به ایران، شکل دهی به مطبوعات و تأسیس دارالفنون به کالبد نیمه جان ایران جانی تازه دمیدند (سرچشمه های داستان کوتاه فارسی، ص ۱۲-۱۷، ۱۳۷۸).

میرزا فتحعلی آخوندزاده، زین العابدین مراغه ای و طالبوف تبریزی هر سه متولد آذربایجان ایران بودند و در آستانه مشروطه، آثار مهمی آفریدند که می توان از آنها به عنوان مقدمه رمان فارسی یاد کرد (بورسی ادبیات امروز ایران، ص ۷۵-۷۹، ۲۵۳۵). هر سه نفر در روسیه رشد و نمو یافتند و با تحولات ادبی غرب آشنا شدند. اینان به رسالت اجتماعی نویسنده و قصد اصلاحات اجتماعی گسترده با شیوه بیان معایب کشور اعتقاد مبرم داشتند. آخوندزاده با ستارگان فریب خورده یا حکایت یوسف شاه، که از نظر عده ای نخستین طلیعه جدی رمان فارسی است (ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی، ص ۱۲، ۱۳۷۴) به انتقاد از فساد حاکمان پرداخت. البته این اثر ابتدا به زبان ترکی بود که در سال ۱۲۵۳ ش. به فارسی برگردانده شد. طالبوف تبریزی با کتاب احمد و مسالک المحسنین به انتقاد از جامعه عقب مانده قاجار پرداخت و زین العابدین مراغه ای در سیاحتنامه ابراهیم بیک با دقت و آشکاری تمام از علل عقب ماندگی ایرانیان پرده برداشت. به علاوه این اثر در واقعگرایی رمان فارسی اثری تمام گذاشت (پیدایش رمان فارسی، ص ۳۳۲، ۱۳۷۷). جنبه انتقادی این آثار بسیار زیاد است. البته نویسندگان، عموماً چون درگیر مسائل حاد اجتماعی هستند، درمان و راه حلی برای معضلات اجتماعی ندارند. مراغه ای با همه دقت و مهارتی که در توصیف عقب ماندگی ایرانیان دارد، «درد را به روشنی می بیند، ولی در مورد درمان، کمیتش لنگ است» (پایه گذاران نثر جدید فارسی، ص ۴۲، ۱۳۸۴). تعهد برای این سه نویسنده در این خلاصه می شود که با سرعت و شدت، تمام هر آنچه را به گذشته متعلق است، منسوخ اعلام کنند و با شور و اشتیاقی گاه- با نگاه امروزی- کود کانه به دامان تجدد و آزادیخواهی پناه ببرند.

البته این سه نویسنده به عنوان رمان نویس در تاریخ ادبیات نامبردار نیستند و جنبه انتقادی آثارشان، بسیار بیشتر از جنبه فنی آنهاست. اولین رمان تاریخی فارسی به نام **شمس و طغرا** در سال ۱۲۸۸ شمسی منتشر شد. حوادث داستان به قرن هفتم و پس از حمله مغول مربوط است و موضوع آن عاشق شدن شمس به طغرا دختر خان مغول است. محمد باقر خسروی در مقام فردی مشروطه خواه و اصلاح طلب با جستن مطلوبهای خود در آرمانهای قهرمان داستان به رمانش رنگی از واقعیت اجتماعی زمانه خود بخشید.

شیخ موسی نثری با رمان تاریخی **عشق و سلطنت یا فتوحات کورش کبیر** با عطف توجه به عظمت و اقتدار ایران باستان، می کوشد برای تحریک عواطف ملی و مبارزه با بی هویتی عصر خود از عصر باستان، هویتی به دست آورد. محمدحسن خان شیرازی نیز در **داستان باستان** به همین موضوع و دوره تاریخی پرداخت. صنعتی زاده کرمانی در **دام گستران یا انتقام خواهان مزدک** نه به دوران باشکوه ایران باستان بلکه به دوره انحطاط آن در عصر ساسانیان پرداخت و با تشریح علل سقوط ساسانیان به حاکمان وقت ایران درباره انحطاط کشور هشدار داد. نویسندگان رمانهای تاریخی با نوشتن وقایع گذشته ایران و با توصیف علل شکستهای ایرانیان در زمانهای دور در واقع قصد داشتند وضعیت زمانه خود را با گذشته مقایسه کنند و بدین ترتیب به حکومتگران درباره بی توجهی به امور کشور هشدار دهند. در نقطه مقابل این تحلیل، برخی از منتقدان بر این باورند که رمان تاریخی با بردن خواننده به دوران گذشته و افتخارات آن، او را در شکوه گذشته غرق می کند و از وضعیت زمان معاصر بی خبر می سازد (**رد پای تزلزل**، ص ۱۵۹، ۱۳۸۱).

از تحلیل محتوایی این رمانها که بگذریم، جنبه تمرینی آنها برای نویسندگان معاصر مهم بوده است. شگردهای رمان نویسی در رمانهای تاریخی تکمیل شد تا زمینه ظهور رمان اجتماعی فراهم شود. تلاشهای آغازین نویسندگان رمانواره ها و رمانهای تاریخی در زمان خود ارج و ارزش بسیاری داشت؛ اما با گذر زمان، دیگر کارکرد خود را از دست داد زیرا جامعه رو به تجدد ایران در سالهای آغازین قرن چهارده شمسی با چالشهای جدیدی روبه رو بود و تنها نوع رمان که می توانست وضعیت جدید جامعه را تصویر، و برای معضلات جدید آن راه حل یا پیشنهادی ارائه کند، رمان اجتماعی بود.

سال ۱۳۰۱ سال انتشار **تهران مخوف**، اولین رمان اجتماعی فارسی، بود. علاوه بر آن مجموعه شش داستان کوتاه جمالزاده تحت عنوان **یکی بود یکی نبود** در سال ۱۳۰۰ منتشر شد. این دو اثر واقعگرایانه، اوضاع اجتماعی ایران را منعکس می کرد و «اگر اولی گام نزدیکی در راه رستاخیز ادبی ایران بود، دومی بیشتر تقلید از مکتب رمانتیسیم اروپا در قرن نوزدهم بود» («بررسی رابطه نثر فارسی و ادبیات غرب»، ص ۲۸۴، ۱۳۸۳).

تهران مخوف با پیرنگی عاشقانه و مضمونی اجتماعی به نقد اجتماع ایران در سالهای پس از مشروطه می پرداخت. این کتاب از طرفی در ادامه سنت نویسندگان رمانواره‌های انتقادی، چون مراغه‌ای در **سیاحتنامه ابراهیم بیک** به وجود آمده بود (**درآمدی بر ادبیات معاصر ایران**، ص ۷۹، ۱۳۷۱) و از سوی دیگر به شیوه روایت رمانهای الکساندر دوما مانند **کنت مونت کریستو** شباهت داشت (**صدسال داستان نویسی ایران**، ص ۵۷، ۱۳۸۰). تصویر و توصیف تیره و هولناک فساد اداری، زد و بندهای سیاسی و انحرافات اخلاقی در این رمان، یادآور تصویر تهران در آستانه کودتای معروف سید ضیاء الدین طباطبایی است (**از صبا تا نیما**، ص ۱۳۲، ۱۳۷۵). مشفق کاظمی در این رمان به زندگی زنانه پرداخته است که به دلایل گوناگون به ورطه فحشا کشیده شده اند و رابطه سیاست و حکومت با فقر و فساد و فحشا نیز در طی رمان تبیین شده است. پس از **تهران مخوف** و به تقلید آن، رمانهای بسیاری آفریده شد. عباس خلیلی، **روزگار سیاه** (۱۳۰۳)، **انتقام** (۱۳۰۴)، **انسان** (۱۳۰۴) و **اسرار شب** (۱۳۰۵) رانوشته‌ها مضمون عمده آنها حقوق زنان، ازدواجهای اجباری و فحشا بود. ربیع انصاری با رمان **جنایات بشر** (۱۳۰۹) به روسپی‌گری و علل اجتماعی آن پرداخت. محمد مسعود در رمانهای سه گانه **تفریحات شب** (۱۳۱۱)، **در تلاش معاش** (۱۳۱۲) و **اشرف مخلوقات** (۱۳۱۳) به زندگی جوانانی پرداخت که روزها را در مدرسه، اداره و یا کارخانه می گذرانند و شبها به ولگردی و عیاشی روی می آورند. همه این نوع رمانها در بحران اجتماعی خاصی نوشته شد که به سبب برخورد سنت قاجاری و تجدد رضاخانی بروز کرده بود. آفرینندگان این رمانها کوشیدند به دور از قهرمان پروریهای رمان تاریخی به واقعیت اجتماعی بپردازند. در واقع در ایران نیز «زمانی که ابتدا

¹ Alexander Dumas

نقش اجتماعی رمان شناخته شد و در واقع، وظیفه اصلی آن به حساب آمد، وضعیت بی چون و چرای گونه ادبی را (به حق) به دست آورد» (ادبیات داستانی، رمان و واقعیت اجتماعی، ص ۲۴، ۱۳۶۸).

محمد حجازی با رمان **زیبا** (۱۳۳۱) به صورت جدی، رویارویی سنت و تجدد و پیامدهای آن را مطرح کرد. دستگاه های عریض و طویل اداری و طی مقامات ترقی در آنها و فساد اداری حاکم بر بدنه حکومت، درونمایه اصلی این اثر را تشکیل می دهد. **زیبا** ارزش هنری و جامعه شناختی بسیاری دارد و «همچون گزارشگر و نمایاننده دیوانسالاری سنتی و جامعه آشفته پس از انقلاب مشروطیت، جایی ویژه در میان رمانهای فارسی دارد» (واقعیت اجتماعی و جهان داستان، ص ۶۱، ۱۳۵۸).

بوف کور صادق هدایت، مدرنترین و فنی ترین رمان فارسی در دوره رضاخان است که با توجه به اختناق سیاسی و سانسور حاکم بر آن دوران، هدایت، آن را در سال ۱۳۱۵ در هند منتشر کرد. هدایت نشاندهنده چند ویژگی روحی طبقه پیش رو در روزگار خویش بود: نفرت از اوضاع سیاسی و اجتماعی زمانه، وطن پرستی افراطی و بدبینی مطلق. «او همچنین مانند بسیاری از ملی گرایان کج روش و کج فهم، که هیچ گونه توجهی به فرایند تاریخی و علل و اسباب اقتصادی و سیاسی نداشتند (و به وجهی آگاهانه هم بود)، کوشید تا همه گناهان را به گردن اسلام و فتح عرب بیندازد» (ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما، ص ۱۰۶، ۱۳۷۸). البته در احاطه هدایت به فرهنگ باستان ایران و تسلطش به فن رمان نویسی تردیدی نیست و به همین دلیل تأثیر گذارترین نویسنده ایرانی به شمار می آید.

اگر در دوره مشروطه، رمان در خدمت انتقاد اجتماعی و هویت بخشی ملی بود در دوره رضاخان به کیفیت هنری آثار نیز توجه شد که **تهران مخوف**، **زیبا** و **بوف کور**، نماینده سه گرایش عمده رویکرد اجتماعی همراه با نگارش فنی و هنرمندانه رمان است. در این دوره، رمان بر اجتماع تأثیر می گذارد و انبوه رمانهای اجتماعی، که درباره ظلم و ستم به زنان نوشته می شود، باعث توجه جامعه به این قشر می گردد. نویسندگان این دوره گاه به راه حل های اجتماعی و فرهنگی برای معضلات جامعه اشاره می کنند، اما چون غرق در بحران موقعیت خویش در جامعه هستند، راه حلها و تدابیر اجتماعی آنان، چندان کارآمد

نیست؛ ضمن اینکه دیکتاتوری رضاخان مجال سخن نمی دهد. نویسندگان این دوره در مقابل بحرانهای اجتماعی حیران و سرگردانند. فقط حجازی در **زیبا و هدایت در بوف کور** با تأمل و وسعت دید به انتقال وضعیت اجتماعی به ساحت هنری رمان می پردازند و به همین دلیل، درجه ماندگاری این دواثر و سایر آثار هدایت نسبت به انبوه رمانهای اجتماعی بیشتر است.

۳-۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷

با توجه به مدت زمان طولانی این دوره، آثار گوناگون و قابل توجهی در زمینه گرایشهای گوناگون رمان نویسی آفریده شد. آغاز این دوره با خلع رضاخان از قدرت و جانشینی محمدرضا شاه مصادف بود. با شروع حکومت محمدرضا شاه و تبعید رضاخان، انتقاد از استبداد دیکتاتور سابق شروع شد و در موقعیت آشفته بعد از جنگ جهانی دوم و حضور متفقین در ایران، آزادیهای نسبی رشد یافت و مجلات، روزنامه ها و آثار متعددی چاپ شد. «ورود متفقین به ایران با یک دوره «شبه دموکراتیک» همراه بود. در اثر این آزادی نسبی، احزاب سیاسی مثل قارچ در جامعه رویدند» (**دولت در عصر پهلوی**، ص ۴۹، ۱۳۷۵). در همین ببحوحه، اعضای گروه معروف به «پنجاه و سه نفر» از زندان آزاد شدند. فضای جامعه آماده آفرینش فرهنگی شد و روشنفکران و نویسندگان و شاعران امیدوارانه از اصلاحات و آزادی دم زدند.

صادق هدایت، که در دوره قبل با بدبینی و یأس کامل، **بوف کور** را منتشر کرده بود، تحت تأثیر تبلیغات حزب توده و فضای کلی حاکم بر جامعه، **حاجی آقا** (۱۳۲۴) را نوشت. هدایت در این اثر برخلاف آثار نسبتاً رمزی دوره رضاخان، «هرگونه رازورزی را کنار گذاشت و به وراجی و فحاشی ژورنالیستی روی آورد» (**پایه گذاران نثر جدید فارسی**، ص ۲۷۷، ۱۳۸۴). قهرمان این رمان به مانند عموم مردم طبقات بالای جامعه «از نظام پیشین انتقاد می کند و صورتک آزادیخواهی به چهره می زند، ولی بخوبی احساس می کند که ایران به نفت آلوده است و نباید نزدیک آن کبریت کشید» (**واقعیت اجتماعی جهان داستان**، ص ۱۴۱، ۱۳۵۸).

زندانیان جسته از زندانهای رضاخان در این دوره شروع به نگارش خاطرات زندان کردند. بزرگ علوی با **ورق پاره های زندان** (۱۳۲۰) و **پنجاه و سه نفر** (۱۳۲۱) «به

عنوان اولین نویسنده ایرانی، که زندگی در زندان را به شیوه ای واقعگرایانه و بی طرفانه توصیف نموده است، **ادبیات داستانی در ایران زمین**، ص ۶۶، ۱۳۸۲) پایه گذار ادبیات زندان در دوران معاصر شناخته شد. وی در رمان معروف **چشمهایش** (۱۳۳۱) به توصیف مبارزه آزادیخواهان و روشنفکران با حکومت رضاخان پرداخت. داستان کوتاه «گیله مرد» نیز درباره مقاومت رعیتی بی پناه در برابر مأموران حکومت خودکامه است. این داستان بر نویسندگان بعد، از جمله محمود اعتمادزاده در رمان **دختر رعیت** (۱۳۳۱) تأثیر عمده ای داشته است.

دختر رعیت از مهمترین و تأثیرگذارترین رمانهای اجتماعی است؛ زیرا در ورای وقایع رمان به وضع اسفناک رعیت در مقابل ارباب پرداخته شده است. در این رمان شاید برای اولین بار در پس زمینه حوادثی که در ضمن داستان رخ می دهد، حادثه مهم تاریخی و اجتماعی نیز شرح و توصیف شده است. قیام میرزا کوچک خان جنگلی سازنده عنصر تاریخی و وجهه اجتماعی آن است که بخوبی در ضمن وقایع رمان شرح داده شده است (باغ درباغ، ص ۲۹۶، ۱۳۷۸).

جلال آل احمد با رمان **مدیر مدرسه** (۱۳۳۷) به ناامیدی عمیق روشنفکران از امکان اصلاحات در کشور پس از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ پرداخت. قهرمان اصلی رمان، پس از تلاشهای فراوان برای به راه انداختن مدرسه و گرداندن امور آن (نماد ایران آن عصر) از امکان به ثمر رسیدن طرحها و ایده‌هایش ناامید می شود و استعفای خود را تقدیم رئیس فرهنگ می کند. این به معنی ناامیدی آل احمد از ادامه خوشبینی به اصلاح حکومت و ساختار آن است. با کودتا «خوشبینی و هیجان زدگی سالهای ۳۰-۱۳۲۰ جای خود را به نوعی واخوردگی اجتماعی می دهد؛ گویی تمام راه ها به روی زندگی مردم بسته شده است. فرد گرایی افراطی جایگزین مردمگرایی و درونگرایی، جایگزین برونگرایی می شود» (**ادبیات تمثیلی ایران در دهه سی، ادبیات نسل شکست خوردگان**، ص ۲۵۲، ۱۳۸۳).

علاوه بر تأثیر کودتا بر ادبیات این دوره، باید از ترجمه وسیع آثار داستانی غرب در ایران و تأثیر آن بر جریان رمان نویسی یاد کنیم. آثار نویسندگان آمریکایی چون ارنست همینگوی، جان اشتاین بک و ویلیام فاکنر و نیز آثار نویسندگان اگزیستانسیالیست فرانسوی

چون آلبر کامو و ژان پل سارتر بر ادبیات پس از کودتا تأثیر عمده ای نهاد و باعث شکل گیری جریانات فرهنگی عمده ای شد که عموماً در دو گرایش ادبیات صنعت محور و ادبیات التزام آور قابل تقسیم بندی است (صدسال داستان نویسی ایران، ص ۴۱۱-۴۱۵، ۱۳۸۰).

در سال ۱۳۴۰ با انتشار رمان **شوهر آهو خانم** از علی محمد افغانی، داستان فارسی از فترت پس از کودتا بیرون آمد. عده ای درباره این اثر مبالغه کرده، آن را «بزرگترین رمان فارسی» نامیدند («شوهر آهو خانم»، ص ۹۷۰، ۱۳۴۰). اما از این مبالغه ها گذشته، رئالیسم اثر، آن را به عنوان رمانی ماندگار در تاریخ داستان معاصر جاودانه کرد؛ هر چند آثار بعدی افغانی - حداقل در میان روشنفکران - جایگاهی به دست نیاورد. این اثر، که در ادامه سنت رمانهایی چون **تهران مخوف** و رمانهای اجتماعی دیگری چون **زیبا** نوشته شده بود، کارکردی جامعه شناختی یافت و باعث توجه خوانندگان و مخاطبان به مسائل زن ایرانی شد.

آثار صادق چوبک بویژه **سنگ صبور** (۱۳۴۵) از بعد دیگری به اجتماع می پردازد. رئالیسم چوبک هر چند با ناتورالیسم مشتبه می شود، عمق تحلیلهای ناتورالیستی را ندارد و در عوض به رویه اجتماعی زندگی می پردازد. نویسنده هر چند در توصیف زشتی و پلشتی منتشر در محیط زندگی شخصیتهاش مبالغه می کند، تأثیر هولناک توصیفهایش خواننده را به تأمل در محیط اطراف خود وادار می کند. چوبک در تنها اثر خوش بینانه اش، یعنی **تنگسیر** (۱۳۴۲) به قهرمان پروری دست می زند و با مبالغه در شخصیت زایر محمد، قهرمان تنگسیر به رویارویی با روح ناامیدی حاکم بر جامعه می پردازد. «جالب اینکه وقتی ده سال بعد، تنگسیر در قالب فیلم سینمایی بلند نمایش داده شد، شور و اشتیاق افکار عمومی را به همراه تحسین و تأیید منتقدان، که آشکارا آن را یک بیانیه سیاسی ضد دولتی می دیدند، به دست آورد» («داستان نویسی صادق چوبک»، ص ۱۹۸، ۱۳۸۰).

تقی مدرسی در **یکلیا و تنهایی او** (۱۳۳۴) و بهرام صادقی در **ملکوت** (۱۳۴۰) به مسائل اسطوره ای مطرح در اساطیر توراتی روی می آورند. گویا اینان برای گریز از واقعیت شکست در کودتا، چاره ای جز دوری از زمان حال نمی دیدند و چاره را در گریز رمانتیک از واقعیتها می جستند. تجربه رمان تاریخی که در دوره انحطاط قاجار به دوران

باشکوه ایران باستان بازمی گشت در این دوره و در آثار این نویسندگان و مقلدانشان گویی تکرار می شود- با تغییر در زمان و مکان بازگشت تاریخی.

رمان کوتاه **شازده احتجاب** (۱۳۴۷) از هوشنگ گلشیری، هر چند به شیوه جریان سیال ذهن نوشته شده است، پس زمینه تاریخی وقایع- زوال خاندان قاجار- گونه جامعه شناختی به آن می دهد. گزارش گلشیری از شرح خاندان شازده از لحاظ دقت و تاریخ نگاری (علمی) چیزی کم نمی آورد» (نظریه رمان و ویژگیهای رمان فارسی، ص ۱۷۸، ۱۳۸۲). گلشیری بعدها به صناعت داستان نو و جریان سیال ذهن توجه بیشتری نشان داد و به همین دلیل از واقعگرایی معهود سایر داستان نویسان فاصله گرفت.

سیمین دانشور با رمان **سووشون** (۱۳۴۸) به استقلال ادبی رسید و از زیر سایه نام همسرش آل احمد بیرون آمد. این اثر «هم از مبارزه ملی و آزادیخواهانه و هم از وضعیت اجتماعی زنان حکایت دارد» (درآمدی بر ادبیات معاصر ایران، ص ۹۲، ۱۳۷۱). نمونه ادبیات متعهد دهه چهل همین اثر است و از این نظر الگوی داستان نویسان بعدی قرار گرفت و تأثیر عمده ای نیز بر مخاطبان پرشمار خود گذاشت. در این اثر جنبه انتقادی و کیفیت هنری هر دو در درجه بالایی قرار داشت که این اتفاق در رمان فارسی کمتر ممکن است رخ دهد.

همسایه ها (۱۳۵۳) از احمد محمود، که مراحل رشد و تکوین یک نوجوان را بر گستره روزگار ملی شدن صنعت نفت و دوره فعالیت‌های حزبی دهه ۱۳۳۰ نشان می دهد از مهمترین رمانهای دهه پنجاه است. در همین سال ابراهیم گلستان با رمان **اسرار گنج دره جنی** به مسئله نفت، تغییر مناسبات اقتصادی و اجتماعی در اثر فروش آن و اسراف و تبذیر شاه تحت عنوان جشنهای دو هزار و پانصد ساله پادشاهی می پردازد. این رمان به نوعی پیش بینی سقوط سلطنت نیز هست که چهار سال بعد تحقق یافت (صدسال داستان نویسی ایران، ص ۴۶۰، ۱۳۸۰).

هر چند محمود دولت آبادی **جای خالی سلوچ** را در سال ۱۳۵۸ منتشر کرد و وقوع انقلاب در سال ۱۳۵۷ بوده است، این رمان عموماً در حیطه آثار پیش از انقلاب طبقه بندی می شود و مهمترین اثر دولت آبادی در حوزه رئالیسم انتقادی است که به مسئله اصلاحات ارضی و تأثیر آن بر زندگی روستاییان می پردازد. البته جلال آل احمد در

نفرین زمین (۱۳۴۶) در قالب رمان و در واقع، طی سلسله مقالاتی داستانی به این مسئله پرداخته بود، اما نگاه اجتماعی دولت آبادی همراه با بینش هنری او، **جای خالی سلوچ** را به یکی از مهمترین آثار ادب داستانی معاصر در حوزه ادبیات اقلیمی تبدیل می کند.

ادبیات داستانی دوره ۱۳۲۰ تا ۱۳۵۷ گرایشها و رویکردهای متفاوتی را پشت سر گذاشت. آغاز این دوره با ادبیات عصیانگر و اعتراضی همراه بود و سپس ادبیات زندان توسط علوی تثبیت شد. آل احمد و ابراهیم گلستان به نقد مبارزه با رژیم پرداختند و **مدیر مدرسه** آل احمد در پی اثبات بیهودگی مبارزه برای اصلاح حکومت فاسد و دیکتاتور بود. اغلب رمانهای این دوره از تحولات اجتماعی متأثر بود و پیش از اینکه بر جامعه تأثیر بگذارد، از آن تأثیر پذیرفت. به همین دلیل می توان از این رمانها نظریات جامعه شناختی نویسندگان آنها را استخراج کرد. نویسندگان این دوره با استخدام شگردهای هنری به قوت انتقاد اجتماعی آثارشان افزودند و به آفرینش خوش ساخت ترین آثار داستانی موفق شدند. آثار دیگری نظیر پاورقیهای عشقی و احساسی حسینیقلی مستعان و جواد فاضل در این دوره به جامعه عرضه شد که کیفیت هنری چندانی نداشت و فقط مخاطبان سطحی و ناپیکیر را راضی کرد. البته وجهه جامعه شناختی این آثار قابل بررسی است چون ادبیات عامه پسند نیز جایگاه خاص خود را دارد، اما این ادبیات به هیچ روی جریان ساز نبود و بتدریج با رواج سینما و تلویزیون در ایران، مخاطبان خود را از دست داد.

۴- ۱۳۵۷ تا ۱۳۸۰

پیروزی انقلاب اسلامی مردم ایران در بهمن ۱۳۵۷ در همه ارکان جامعه از جمله ادبیات تأثیر عمده ای گذاشت. با وقوع انقلاب و در سالهای آغازین آن، بیشترین رمانها و داستانهای کوتاه به دلیل شور و التهاب انقلابی، نگارش و انتشار یافتند (**ادبیات داستانی در ایران زمین**، ص ۷۵، ۱۳۸۲). با شروع جنگ تحمیلی در آخر تابستان ۱۳۵۹ دسته بندی نویسندگان شکل مشخصی به خود گرفت. عده ای از نویسندگان نظیر اسماعیل فصیح، محمود دولت آبادی، هوشنگ گلشیری و جمال میرصادقی متعلق به نویسندگان قبل از انقلاب بودند که پس از انقلاب هم به نوشتن ادامه دادند. انقلاب چندان تأثیری در افکار و آثار اینان به وجود نیاورده بود. اما عده ای هم بودند که اساساً زندگی ادبی خود را

پس از انقلاب آغاز کردند. گروهی از اینان به باورهای انقلابی گرایش داشتند و گروهی دیگر رها از هر تعلق به داستان پرداختند.

زمین سوخته (۱۳۶۱) نوشته احمد محمود، نخستین رمان جنگ به شمار می رود که «وقف تجسم و توصیف رویدادهای چند ماه آغازین نبرد هشت ساله ایران و عراق است و رمان از زوایه دید مردی به نسبت منزوی روایت می شود» (کالبدشکافی رمان فارسی، ص ۱۲۲، ۱۳۸۳). امتیاز این اثر، مستند و گزارشی بودن آن است. محمود در این اثر بیشتر به جلوه های حماسی جنگ پرداخت و الگوی رمان نویسان بعدی شد. محسن مخملباف با رمان **باغ بلور** (۱۳۶۵) زندگی پشت جبهه و زنان شهدا و جانبازان و دغدغه های خانواده رزمندگان را محور کار خود قرار داد. «در این اثر می توان نوعی رمانتیسیم سرمایه داری ستیز را، که بر پایه نگرش سیاسی، اقتصادی و اجتماعی نویسنده شکل گرفته است، آشکارا مشاهده کرد» (تفنگ و ترازو، ص ۱۶۷، ۱۳۸۰) نکته مهم در پایان این رمان ظهور معجزه است که با توجه به رئالیسم جادویی می توان به آن رئالیسم اعجازی نام داد که البته از باور دینی نویسنده تأثیر پذیرفته است.

رمان جنگ در طول هشت سال دفاع مقدس رسالت مهمی بر عهده داشت و آن عبارت بود از ایجاد روحیه مقاومت در مردم و تشویق آنان به شرکت در دفاع از میهن و آرمانها. از آنجا که نفس جنگ با خشونت و بی رحمی و مرگ سرو کار دارد، نویسندگان سعی می کردند برای تلطیف جنگ به شگردهای گوناگون متوسل شوند؛ به همین دلیل گاه جنبه هنری اثرشان ضعیف می شد. با پایان جنگ، ادبیات زندان، ادبیات اردوگاهی، ادبیات پشت جبهه و خاطرات جنگ منتشر شد (تأملاتی در جامعه شناسی ادبیات، ص ۱۰۴-۱۰۷، ۱۳۷۹) و زمان تأمل در سالهای جنگ و تأثیر آن بر زندگی رزمندگان از جبهه بازگشته فرا رسید.

از دیگر رمان نویسان عرصه جنگ می توان سید مهدی شجاعی را نام برد که **ضریح چشمهای تو** (۱۳۶۳)، **ضیافت** (۱۳۶۳) و **دو کبوتر دو پنجره یک پرواز** (۱۳۶۵) را در وصف پاکدلی، شجاعت و اخلاص رزمندگان نوشت. پس از جنگ قاسمعلی فراست در **گلاب خانم** (۱۳۷۴)، حسین فتاحی در **عشق سالهای جنگ** (۱۳۷۳)، رضا امیرخانی در **ارمیا** (۱۳۷۴) و ابراهیم حسن بیگی در **ریشه در اعماق** (۱۳۷۳) به شرح

حال رزمندگان و جانبازانی پرداختند که با پایان جنگ به زندگی عادی و روزمره بازگشته اند ولی فکر و ذکرشان، یاد روزهای معنوی مقاومت و پیروزی است. هر چند جنگ پایان یافت، ادبیات جنگ همچنان مخاطبان خود را حفظ کرد. در واقع بهترین آثار جنگ زمانی نوشته می شود که نویسنده بتواند این امر خشن و واقعی را به مرور زمان درونی کند و درباره اش اندیشه ای فلسفی داشته باشد؛ کاری که مرتضی مردیها در رمان در **شعله های آب** (۱۳۷۸) توانست آن را به شیوه ای هنرمندانه به انجام رساند (**گزاره هایی در ادبیات معاصر ایران (داستان)**، ص ۳۱۵، ۱۳۸۳).

رضا براهنی در رمان سیاسی- تاریخی **رازهای سرزمین من** به وقایع سالهای کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ تا انقلاب اسلامی پرداخت. این رمان که در سال ۱۳۶۶ منتشر شد نظریات متفاوتی درباره خود در پی داشت. عده ای آن را تجلی ایدئولوژی چپ دانستند (**کینه ازلی**، ص ۹۲، ۱۳۶۷) و کسانی هم نویسنده را به تمایل به ترکیه، پان ترکیسم و پان تورانیسم متهم کردند (**باغ در باغ**، ص ۴۶۵، ۱۳۷۸)؛ اما این اثر به هر روی تصویری واقعگرایانه از تسلط امریکاییها بر ایران پس از کودتا و نیز شور و حال انقلابی مردم در روزهای منتهی به ۲۲ بهمن ۱۳۵۷ به خوانندگان پرشمار خود ارزانی داشت.

رمان مهم دیگر دهه شصت، **سمفونی مردگان** (۱۳۶۸) اثر عباس معروفی است. نویسنده با توسل به اسطوره هایبیل و قابیل به درگیری دو برادر- یکی اهل بازار و تجارت، و دیگری اهل تخیلات عرفانی و مباره هنری- می پردازد. این رمان هر چند به تقلید از **خشم و هیاهوی** فاکتر نوشته شده است (**صدسال داستان نویسی ایران**، ص ۱۰۷۸، ۱۳۸۰) از نظر شگرد روایت، نقطه عطفی در داستان پس از انقلاب به شمار می رود. اختلاف نسلیها باعث ایجاد دگرگونی در برداشت شخصیت‌های داستان از وقایع زندگی خانوادگی و اجتماعی می شود. وقایع رمان در دهه چهل شمسی اتفاق می افتد، اما با زمان انتشار اثر و اختلاف دیدگاه های موجود در جامعه ارتباط و پیوستگی پیدا می کند. به همین سبب این اثر بین خوانندگان جدی رمان و منتقدان حرفه ای، جایگاه خود را به دست آورد. در دهه هفتاد، روند داستان نویسی از شتاب دهه شصت فاصله گرفت و به دلیل مشکلات اقتصادی بازار نشر و نیز بعضی سختگیریهای مراجع تصمیم گیرنده در حوزه ادبیات داستانی، نویسندگان منزوی شدند. تعطیلی مجلات ادبی به دلایل اقتصادی و

سیاسی - فرهنگی نیز بر روند گندچاپ و نشر رمان تأثیر گذاشت (صدسال داستان نویسی ایران، جلد ۴، ص ۱۲۵۱، ۱۳۸۳). امادر بهار ۱۳۷۶ و در پی فضای فرهنگی و گفتمان سیاسی جدیدی که در جامعه شکل گرفت، فضا برای خلق آثار داستانی، مساعدتر شد.

حسین سناپور در رمان نیمه غایب (۱۳۷۸) به وضعیت محیط دانشگاهی، دانشجویان، استادان و قشرهای فرهنگی پرداخت و گزارشی هنرمندانه و تحلیلی از این محیط به دست داد. اختلاف نسلها، پایان جنگ و پیوستگی یاد و خاطره آن در اذهان خانواده شهدا، بازگشت پیکر شهیدان پس از پایان جنگ و فاصله گیری جامعه از دوران انقلاب و شور و حال سالهای جنگ از مضامین عمده این رمان است.

ادبیات داستانی پس از انقلاب، عرصه شکل گیری جریانهای داستانی متعدد و گاه متضاد بوده است. نویسندگان انقلابی با تأکید بر هویت دینی - مذهبی، بومی و آرمانگرایانه آثار خود سعی در ایجاد گرایش «واقعیتگرایی الهی یا واقعیتگرایی اسلامی» (منظری از ادبیات داستانی پس از انقلاب، ص ۱۱، ۱۳۷۵) در حوزه هنری داشتند. نویسندگانی چون منیرو روانی پور و شهرنوش پارسا پور و حتی رضا براهنی به شیوه رئالیسم جادویی نویسندگان امریکایی لاتین روی آوردند (کالبدشکافی رمان فارسی، ص ۱۸۵، ۱۳۸۳). محمود دولت آبادی همچنان به رئالیسم روستایی خود وفادار است و گاهی مقلدانی نیز پیدا می کند. این گرایشهای متضاد، نشانه دل بستگیها و سلاقی گوناگون و متعدد در سطح جامعه است. تأثیر جامعه بر رمان بویژه در حوزه رمان جنگ محسوس است و البته هدف نویسندگان رمان جنگ در نهایت برانگیختن مردم به شرکت در دفاع است. نویسندگان دیگر بیشتر اهل صنعت هستند تا تعهد اجتماعی. جامعه پس از انقلاب، جامعه ای است که در آن گرایشهای مختلف فکری آثار خود را عرضه می کنند؛ هر چند محدودیتهایی هم در کار نشر باشد. تجربه جنگ و اتفاقات بعدی به مرور زمان بیش از اینها ساخت هنری رمان فارسی را تشکیل خواهد داد. بنابراین عصر رمان در ایران بی تردید به این زودیها به پایان نخواهد رسید.

نتیجه

رمان فارسی در دوره مشروطه شکل گرفت و اولین رمانواره های فارسی تحت تأثیر تحولات اجتماعی در این دوره به وجود آمد. هدف نویسندگان در این دوره بیشتر

انتقاد اجتماعی بود و کیفیت هنری آثار در درجه دوم اهمیت قرار داشت. دوره رضاخان دوره تثبیت شکل هنری رمان بود و رمان اجتماعی به توصیف معضلات اجتماعی و ارائه راه‌حلهایی - نه چندان کارآمد - برای آنها پرداخت. در سالهای پس از رضاخان، رمان فارسی به تعهد اجتماعی نویسنده و به خدمت اجتماع در آوردن اثر هنری گرایش پیدا کرد؛ اما کودتای ۲۸ مرداد ۳۲ پایان ادبیات متعهد و آغاز ادبیات درونگرا و واقعیت‌گریز بود. بهترین آثار رمانی در این دوران به وجود آمد. انقلاب اسلامی باعث تغییر در بنیانهای اجتماعی و فرهنگی شد و در پی آن ادبیات انقلابی - بخصوص رمان جنگ - وظیفه تبلیغی و ارشادی را به عهده گرفت. گرایشهای دیگر نظیر رئالیسم جادویی نیز پس از انقلاب در رمان نویسی فارسی رواج یافت.

در دوران آرامش، کیفیت هنری رمان فارسی رشد یافت - دوره اختناق رضاخانی هم به نوعی دوران آرامش و تجربه در انزوا بود - و رئالیسم انتقادی آن عمیقتر شد. اما در دوره آشوبهای اجتماعی جنبه انتقادی، افشاگرانه و تبلیغی اثر، شیوه هنری و صنعت فنی رمان را تحت تأثیر قرار داد و باعث تنزل آن شد.

در مجموع رمان فارسی همواره جامعه‌گرا بوده و از آن تأثیر پذیرفته و گاهی نیز - در دوره مشروطه، دوره رضاخان و دوران دفاع مقدس - از جنبه‌های گوناگون بر جامعه و مخاطبان اثر گذاشته است. نویسندگان معمولاً با تعهد اخلاقی و اجتماعی به نوشتن رمان می‌پردازند. در دوره پس از کودتا این مقوله برای مدتی کنار نهاده شد و صنعت رمان و گریز رمانتیک از واقعیت شکست بر ذهن و قلم رمان نویس مسلط گردید. بنابراین باید به رمان فارسی به عنوان آثاری اجتماع محور و مردم مدار بنگریم. این بدان معناست که آثار داستانی فارسی بر پایه رئالیسم اجتماعی شکل گرفته و تعامل بین جامعه ایرانی و رمان فارسی در ادوار تاریخی یاد شده تقریباً پیوسته برقرار بوده است.

منابع و مأخذ

۱. آجودانی، ماشاءالله. (۱۳۸۳). **یا مرگ یا تجدد** (دفتری در شعر و ادب مشروطه). چاپ دوم. تهران: نشر اختران.
۲. آراین پور، یحیی. (۱۳۷۵). **از صبا تا نیما** (۲ جلد). چاپ ششم. تهران: زوار.
۳. آژند، یعقوب. (۱۳۷۴). **ادبیات داستانی در ایران و ممالک اسلامی**. چاپ دوم. تهران: نشر آرمین.
۴. استعلامی، محمد. (۲۵۳۵). **بررسی ادبیات امروز ایران**. چاپ چهارم. تهران: امیرکبیر.
۵. اسکارپیت، روپر. (۱۳۷۶). **جامعه شناسی ادبیات**. مرتضی کتبی. چاپ دوم. تهران: سمت.
۶. بالائی، کریستف. (۱۳۷۷). **پیدایش رمان فارسی**. مهوش قویمی و نسرين خطاط. چاپ اول. تهران: انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه.
۷. بالائی، کریستف و کویی پرس، میشل. (۱۳۷۸). **سرچشمه های داستان کوتاه فارسی**. احمد کریمی حکاک. چاپ اول. تهران: انتشارات معین و انجمن ایرانشناسی فرانسه.
۸. پرهام، سیروس. (۱۳۴۰). **«شوهر آهوخانم»**. راهنمای کتاب. سال چهارم، شماره ۱۰. ص ۹۷۴-۹۷۱.
۹. تسلیمی، علی. (۱۳۸۳). **گزاره هایی در ادبیات معاصر ایران** (داستان). چاپ اول. تهران: نشر اختران.
۱۰. حسن بیگی، ابراهیم. (۱۳۶۷). **کینه ازلی** (نقد دواثر از دکتر رضا براهنی). چاپ اول. تهران: انتشارات برگ.
۱۱. دادور، ایلمیرا. (۱۳۸۳). «ادبیات تمثیلی ایران در دهه سی، ادبیات «نسل شکست خوردگان»». **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسی (ادبیات ایران)**. جلد اول. چاپ اول. تهران: بنیاد ایران شناسی. ص ۲۵۱-۲۶۳.

۱۲. دری، جهانگیر. (۱۳۸۳). «بررسی رابطه نثر فارسی و ادبیات غرب». **مجموعه مقالات نخستین همایش ملی ایرانشناسی (ادبیات ایران)**. جلد اول. چاپ اول. تهران: بنیاد ایران شناسی. ص ۲۸۱-۲۹۱.
۱۳. دستغیب، عبدالعلی. (۱۳۸۳). **کالبد شکافی رمان فارسی**. چاپ اول. تهران: سوره مهر (حوزه هنری).
۱۴. زرافا، میشل. (۱۳۶۸). **ادبیات داستانی، رمان و واقعیت اجتماعی**. نسرین پروینی. چاپ اول. تهران: فروغی.
۱۵. سپهران، کامران. (۱۳۸۱). **رد پای تزلزل (رمان تاریخی ایران ۱۳۲۰-۱۳۰۰)**. چاپ اول. تهران: شیرازه.
۱۶. سرشار، محمدرضا. (۱۳۷۵). **منظری از ادبیات داستانی پس از انقلاب**. چاپ اول. تهران: پیام آزادی.
۱۷. سلیمانی، بلقیس. (۱۳۸۰). **تفنگ و ترازو (نقد و تحلیل رمان های جنگ)**. چاپ اول. تهران: روزگار.
۱۸. شفیعی کدکنی، محمدرضا. (۱۳۷۸). **ادبیات فارسی از عصر جامی تا روزگار ما**. حجت الله اصیل. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۱۹. عبادیان، محمود. (۱۳۷۱). **درآمدی بر ادبیات معاصر ایران**. چاپ اول. تهران: گهر نشر.
۲۰. فیوضات، سیدابراهیم. (۱۳۷۵). **دولت در عصر پهلوی**. چاپ اول. تهران: چاپخش.
۲۱. قانون پرور، محمدرضا. (۱۳۸۰). «داستان نویسی صادق چوبک». ترجمه سوسن پیرنیا. **یاد صادق چوبک**. (به کوشش علی دهباشی). چاپ اول. تهران: نشر ثالث. ص ۱۹۵-۲۰۹.
۲۲. کامشاد، حسن. (۱۳۸۴). **پایه گذاران نثر جدید فارسی**. چاپ اول. تهران: نشر نی.
۲۳. کوثری، مسعود. (۱۳۷۹). **تأملاتی در جامعه شناسی ادبیات**. چاپ اول. تهران: مرکز بازشناسی اسلام و ایران (باز).

۲۴. کوهلر، اریش. (۱۳۷۷). «تزهایی درباره جامعه شناسی ادبیات». محمد جعفر پوینده. **درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات**. چاپ اول. تهران: نقش جهان. ص ۲۳۵-۲۴۶.
۲۵. گلدمن، لوسین. (۱۳۷۷). «جامعه شناسی ادبیات». محمد جعفر پوینده. **درآمدی بر جامعه شناسی ادبیات**. چاپ اول. تهران: نقش جهان. ص ۶۳-۷۸.
۲۶. گلشیری، هوشنگ. (۱۳۷۸). **باغ در باغ** (مجموعه مقالات). جلد اول. چاپ اول. تهران: انتشارات نیلوفر.
۲۷. محمودیان، محمد رفیع. (۱۳۸۲). **نظریه رمان و ویژگیهای رمان فارسی**. چاپ اول. تهران: نشر فرزانه روز.
۲۸. مصباحی پور ایرانیان، جمشید. (۱۳۵۸). **واقعیت اجتماعی و جهان داستان**. چاپ اول. تهران: امیرکبیر.
۲۹. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۰). **صدسال داستان نویسی ایران**. (۳ جلد در ۲ مجلد). چاپ دوم. تهران: نشر چشمه.
۳۰. میرعابدینی، حسن. (۱۳۸۳). **صدسال داستان نویسی ایران**. (جلد چهارم). چاپ اول. تهران: نشر چشمه.
۳۱. یآوری، حورا. (۱۳۸۲). «داستان بلند(رمان)». ترجمه پیمان متین. **ادبیات داستانی در ایران زمین**. (مجموعه مقالات). چاپ اول، تهران: امیرکبیر.